

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال سوم - شماره سوم - پائیز ۸۹ - شماره پیاپی ۹

بررسی عناصر سبکی در شعر ازرقی هروی

(ص ۲۱-۱)

نصرالله امامی (نویسنده مسئول)^۱، محمدتقی خلوصی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۷/۱۶

تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۹/۲

چکیده:

این پژوهش به بررسی ویژگیهای سبک‌شناختی شعر ازرقی هروی شاعر نیمه دوم قرن پنجم میپردازد و سروده‌های این سراینده را بر اساس موازین سبک‌شناسی و بدور از کلی‌گوئی‌هایی که درباره وی، مطرح شده است مورد کندوکاو قرار میدهد در این مقاله سیصد بیت برای بررسی عناصر شعری و زبانی و تمام دیوان برای بررسی عناصر فکری این شاعر به کمک آمار بررسی میشوند.

کلمات کلیدی:

ازرقی، شعر، سبک، عناصر سبکی، بسامد.

۱ - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران nafemami@yahoo.com

۲ - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران

مقدمه:

تحقیق حاضر حاصل بررسی عناصر سبکی در دیوان ازرقی هروی است. معمولاً برای دستیابی به سبک ویژه شاعر به دو گونه عمل میشود. الف: با توجه به عناصر تشکیل‌دهنده شعر به بررسی ابیات شاعر پرداخته میشود و با ارائه دیدگاههای کلی، بخشی از عناصر شعری سراینده توصیف میگردد. ب) با در نظر گرفتن عناصر سبکی به بررسی آماری بر اساس گزینشهایی از دیوان شاعر، هریک از عناصر سبکی مورد بررسی قرار میگیرد و پس از تعیین بسامد هر کدام، نتایج بصورت استنتاج و تحلیل آماری ارائه میشود. این تحقیق مبتنی بر روش دومست؛ بدینگونه که سیصد بیت از دیوان - بجز عناصر فکری که مبنای بررسی آن تمام دیوان بوده است - مورد بررسی آماری قرار گرفته و نتایج آن مطرح شده است.

این نکته گفتنیست که هنوز در خصوص سبک دوره و سبک شخصی بسیاری از شاعران کلاسیک، پژوهشهایی با روشهای جدید سبک‌شناختی صورت نگرفته و شعر ازرقی نیز از این امر مستثنی نیست، با این حال پژوهشهای انجام شده درباره سبک ازرقی با وجود نگاه کلی و در عین حال محدود خود، شایسته تقدیر است (بنگرید به: محجوب (بی تا)، ۵۷۵-۵۷۰. امین پور: ۱۳۸۴: ۴۴).

بطور کلی هدف از این تحقیق شناخت ویژگیهای سبک ازرقی (سبک شخصی) با عنایت به همه عناصر سبک‌شناختی است.

شعر ازرقی برخوردار از شاخصه‌های شایع در سبک خراسانیست؛ اما از آنجا که در عین پیروی از سبک خراسانی ابتکاراتی نیز داشته است، او را به سبب آوردن تشبیهات فراوان خیالی و وهمی از کسانی میدانند که در تغییر سبک مذکور مؤثر بوده است. (هدایت: ۱۳۳۶: ۳۶۰)

عمده‌ترین عناصر سبک خراسانی در شعر ازرقی شامل آوردن جمع الجمع، اشباع حرکت، کاربرد کجا به معنی که، کاربرد «مر» قبل از مفعول، و نیز استعمال باختر بجای خاور (در بعضی موارد) و تشدید مخفف است:

شعاع دیده آن کیمیای زر گردد (ازرقی: ۴)	کجا خیال و کف تو ببیند اندر خواب
هامراهش می است و ساغر و چنگ (ازرقی: ۴۵)	شاه کردست رای زی پوششنگ

و درختان همچو حجّا جان شدند اندر حرم خلعت فردوسیانشان داد خواهد دادگر (ازرقی: ۱۳)
ز باختر شده پیدا سرطلایه روز کشیده لشکر شب جوق جوق تا خاور (ازرقی: ۷۶)

ازرقی در قصیده‌سرایی پیرو عنصریست و شیوه کلی بیان وی در قصیده برخوردار از لحنی حماسی و گاه تغزلی است؛ همچنان که در تشبیب قصاید و در قصاید کوتاه خود نیز به شیوه تغزلی فرخی توجه کرده است.

یکی از تذکره‌نویسان متأخر در همین باره مینویسد که در مدیحه‌های او هیبت و شجاعت ممدوح بر موضوعات دیگر مدحی غلبه دارد ... دقت و باریک‌اندیشی او در مضمون، مقدمه خارج شدن شعر را از سبک خراسانی نشان میدهد و اگرچه ظاهر قصیده‌اش از حیث وزن و ردیف، تحولی را در اسلوب شعر فارسی نشان نمیدهد و حتی از معاصران خود در این باره به شعر متقدمان نزدیک‌تر است ولی بلحاظ فکر و دقت در مضمون و دور پروازهای تخیلی، زمینه سبک به اصطلاح عراقی در سخنش آشکارست. (هدایت: ۱۳۳۶: ۳۶۰)

مهمترین امتیاز سبکی ازرقی آوردن تشبیهات تخیلی و اغراق در تشبیه است. در اینباره گفته میشود که شاعران دوره سامانی و نیمه اول قرن پنجم میکوشیدند تا در برابر هر پدیده حسی و طبیعی، تصویرهایی عینی و مشابه آنرا بیاورند، اما او میکوشد تا هر چیز را از آنچه هست، حتی در تشبیه وسیعتر و نیرومند و پررنگتر کند:

آن می که گر ز دور بداری زعکس آن شنگرف سوده گردد مغز اندر استخوان
گر بگذرد پری به شب اندر شعاع او از چشم آدمی نتواند شدن نهان
رنگین میی که بر کفن مرده گر چکد از تن رگ فسرده شود شاخ ارغوان

(برای تفصیل بیشتر: شفیع کدکنی: ۱۳۸۵: ۵۲۹)

گرچه تشبیهات حسی در شعر ازرقی اندک نیست؛ ولی نوآوری او در حوزه تشبیهات خیالی و وهمی است. مانند تشبیه ابر به «سپهسالار دریا» و قطره باران به گلاب دیده ابر، و مانند آن.

نکته دیگر در تشبیهات ازرقی، قدرت تصرف او در تشبیهات کلیشهای قدماً بوده است و این تمهید، نوآوری او را در مقایسه با برخی از معاصرانش نشان میدهد.

ایجاد نوعی ارتباط منطقی میان امور مختلف در صور خیال ارزقی، یادآور سبک شعری عنصری است و همین ویژگی، رنگ تکرار را از شعر او زدوده است؛ هر چند از لحاظ سبک بیان و دقت در مضمون با شعر عنصری متفاوت است. این دقت مضمونی که در آن روزگار رایج نبوده، موجب انتقاد رشید و طواط شاعر و ندیم اتسز خوارزمشاه نسبت به ازرقی شده است.^۱

اکنون در کنار آنچه گفته شد، سیصد بیت از سروده‌های ازرقی را که برگرفته از مواضع مختلف دیوان اوست، برای برخی از ملاحظات سبک‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهیم و معیارهای تشخیص سبک را در مورد آنها نیز اعمال می‌کنیم.

الف) عناصر زبانی:

۱. ویژگیهای صرفی

عناصر سبکی

۱- در بررسی واژه‌های ساده فارسی و عربی ۲- ترکیبهای اسمی می‌پردازیم. شامل: وصفی، اضافی و اسم مرکب ۳- انواع فعل شامل: فعل ساده، مرکب و پیشوندی. در این میان از کاربرد اقسام حروف بدلیل نقش محدود آنها در محور صرفی، خودداری شده است.

۱-۱) واژه‌های ساده

واژه‌های ساده فارسی نزدیک به شش برابر لغات عربیست. بعضی از این واژه‌ها تکراریند مانند: چرخ، دریا، تیغ، تیر. واژه‌های ساده فارسی ۷۸ درصد کل واژه‌های شاعر را در برمیگیرند. واژه‌های عربی که بصورت ترکیبی و یا ساده به کار رفته‌اند، از نوع واژه‌های است که در زبان فارسی تا اواخر قرن پنجم رایج بوده است. این واژه‌ها و ترکیبات، ۱۴ درصد کاربرد های واژگانی شاعر را شامل است. میزان اسامی مرکب نیز به مقدار ۸٪ است:

واژگان فارسی	واژگان عربی	اسم مرکب
۶۳۷	۱۱۰	۷۰
۸۱۷		
درصد	٪۱۴	٪۸
٪۱۰۰		
٪۷۸		

۲-۱) اسامی و صفات

این قسم از اسامی و صفات در مقایسه با لغات ساده چندان زیاد نیست و بصورت‌های زیر بکاررفته‌اند:

- ۱- مرکب پسوندی، مانند: سیه فام، زرینه، سیمینه
- ۲- مرکب پیشوندی، مانند: بینوا، همورد
- ۳- مرکب حاصل از دو اسم، مانند: لاله رخسار، مشتری سیما، صدف کردار.

الف) ترکیبات اضافی و بسامد آن

ازرقی ترکیبات اضافی را در مقایسه با ترکیبات وصفی بیشتر بکار برده است و بعضی از این ترکیبها سه کلمه‌ای است؛ بدین معنی که همراه با یک ترکیب وصفی یا اضافی دیگر بکار رفته‌اند، مانند: همایون زین ملت، مبارک کهف امت، واژه‌سازیه‌های گسترده در شعر ازرقی باعث افزایش تصاویر تشبیهی و استعاری در شعر او شده است، مانند: دیده شاهین، سینۀ بغا، ستاره عدو، دست مرگ. در مقایسه با کل واژه‌ها و ترکیبات، این نوع ترکیبات شامل ۲۳/۵۱ درصد است.

ب) ترکیبات وصفی و بسامد آن

ترکیبات وصفی در شعر ازرقی به نسبت ترکیبات اضافی بسیار کمتر است. این ترکیبات به اشکال زیر دیده میشوند:

- ۱) یک اسم و صفت فاعلی مانند: خارخلنده، شحم کشنده که قسمت دوم آن صفت فاعلی است.
- ۲) ترکیبات دو جزئی مرکب از اسم و صفت، مانند: گلبن چابک، سوسن نازک.
- ۳) یک اسم و دو صفت مانند: منور لؤلؤمکنون، ابر بهاری سیه فام، درخشان لاله گون صهبا، لؤلؤ گوهر مکنون. نتیجه بررسی در مقیاس سیصد بیت یاد شده بترتیب زیر است:

ترکیب اضافی	ترکیب وصفی		
۱۲۰	۴۰	تعداد ترکیبات	۱۶۰
۷۷/۴۱	۲۴/۸۲	درصد	۱۰۰

۳-۱) انواع فعل و بسامد آن

فعلها به سه صورت ساده، مرکب و پیشوندی آمده‌اند است. و بیشترین گونه‌های فعل را افعال ساده تشکیل می‌دهد. افعال مرکب شامل یک اسم و فعل، مانند: خجالت یافتن، گزافه بخشیدن، بیرون آوردن و یا اسم و همکرد است. همکردها غالباً کردن و ساختن هستند، مانند: گل کردن، گل ساختن و... افعال پیشوندی که کمترین تعداد را تشکیل می‌دهند، بیشتر با پیشوندهایی چون: فرا، فرو و برآمده‌اند، مانند: برافشاندن، برزدن، برجوشیدن، فروگرفتن و فروشدن. نتیجه بررسی انواع فعل در جدول نشان داده می‌شود:

فعل ساده	فعل مرکب	فعل پیشوندی		
۳۱۲	۸۴	۴۸	تعداد ترکیبات	۴۴۴
۷۰/۲۷	۱۸/۹۱	۱۰/۸۱	درصد	۱۰۰

۲) ویژگیهای نحوی

ساختار جمله‌ها در دیوان ازرقی بیشتر گرایش به هنجارگریزی دارد و جمله‌هایی که خارج از هنجار رایجست، بیش از دو برابر جمله‌های هنجارمند را تشکیل می‌دهند. بیشترین جابجایی بترتیب در متمم، فعل و مفعول است. لحن حماسی شاعر در قصیده‌ها باعث می‌گردد که فعل و متمم در اول بیتها آورده شود و چون از قافیه‌های فعلی بندرت استفاده کرده، مجبور بوده است که جای فعل را در جمله تغییر دهد.

مواردی از گریز از هنجار در شعر ازرقی بترتیب فراوانی عبارتند از:

۲-۱) تقدم متمم بر دیگر ارکان جمله

زیبخ و شاخ بکندی ز بهر نصرت دین
هرآنچه بیخ ضلال و هرآنچه شاخ هواست (ازرقی: ۶)

ز اقبال وی اسکندر بدیدی چشمه حیوان
اگر جزئی ز رای او بدی در رأی اسکندر (ازرقی: ۹)

بر افراز او شاه هنگام هیجا چو بر کوه خارا ز پولاد^۲ عرعر (ازرقی: ۱۳)

۲-۲) تقدم فعل بر دیگر ارکان جمله

نپاید دیر تا گردد ز مشک آلوده درع او هوا پرسیم پرنده زمین پر زر^۳ بازیگر (ازرقی: ۱۵)

۲-۳) تقدم مفعول بر دیگر ارکان جمله

فلک را بسوزانی از عکس زوبین زمین را بدرانی از نعل اشقر (ازرقی: ۱۲)

سپاهت را چونمایی ره پیکار و کین جستن زمین چون آسمان گردد ز شخص دشمنان بالا (ازرقی: ۲)

۲-۴) تقدم ارکان جمله بر متمم

گل و لاله است پنداری ز زر ساده^۴ و مرجان دهان لاله از سیماب و روی گل ز سیسنبر (ازرقی: ۹)

گر آب ابر بگیرد صدف به نام عدوش خشک کند به گلودرنه^۵ لؤلؤی خوشاب (ازرقی: ۳)

نپوید مگر صحن او را به سالی مهندس به اندیشه عنقا به شهپر (ازرقی: ۹)

۲-۵) تقدم ارکان جمله بر مفعول

به زخم تیر بستانند نور از دیده روشن به نوک نیزه بگشایند آب از چشم نابینا (ازرقی: ۲)

۲-۶) تقدم قید بر ارکان جمله

تو گویی مگر جام کیخسروستی منقش در او پیکر^۶ هفت کشور (ازرقی: ۱۲)

۲-۷) تقدم ارکان جمله بر نهاد

هزاران صورت رنگین نگاریده برو مانی هزاران پیکر طبعی بر آورده از او آذر (ازرقی: ۸)

۲-۸) تقدم ارکان جمله بر قید

گوزنان مالیده شاخند گویی بر آویخته زخم را یک به دیگر (ازرقی: ۱۲)

به رنگ عنبر نابست شاخ او به درست اگر شدست شرابش به بوی عنبرناب (ازرقی: ۳)

۹-۲) تقدم فعل ربطی بر مسند

الا تا هر درختی نیست طوبی الا تا هر قدیری نیست کوثر (ازرقی: ۲۱)
 بسامد انواع جمله‌های مطابق هنجار و خارج از هنجار بر اساس بررسی آماری آنها طبق جدول زیر نشان داده میشود:

درصد	تعداد	بررسی آماری ساختار نحوی
۳۲/۶۸	۸۴ جمله	۱- تعداد جمله‌های مطابق هنجار
۶۶/ ۱۶	۱۷۱ جمله	۲- تعداد جمله‌های خارج از هنجار

بررسی آماری جمله‌های خارج از نرم		
درصد	تعداد	
۴۱/۰۴	۷۱	۱- تقدم متمم بر دیگر ارکان جمله
۲۳/۶۹	۴۱	۲- تقدم فعل بر ارکان جمله
۱۲/۱۳	۲۱	۳- تقدم مفعول بر ارکان جمله
۶/۹۳	۱۲	۴- تقدم ارکان جمله بر متمم
۵/۷۸	۱۰	۵- تقدم ارکان جمله بر مفعول
۳/۴۸	۶	۶- تقدم قید بر ارکان جمله
۲/۳۱	۴	۷- تقدم ارکان جمله بر نهاد
۱/۷۳	۳	۸- تقدم ارکان جمله بر قید
۱/۱۵	۲	۹- تقدم فعل ربطی بر مسند و مسندالیه
۱۷۱		جمع

۳) عناصر موسیقایی و آوایی

عناصر موسیقایی و آوایی مجموعه مناسبتهای وزنی، قافیه وردیف و آرایه‌های لفظی هستند که در القای پیام شاعر و یا تقویت عاطفه‌های مختلف نقش مهمی دارند.

۳-۱ وزن

انتخاب وزن شعر از سوی شاعر که خود محصول قریحه‌ای پرورش یافته و یا ملاحظات ذوقی و عاطفیست، در بالا بردن موسیقی شعر تأثیر عمده‌ای دارد. بیشترین بسامد وزن در دیوان ازرقی به ترتیب شامل بحر مجتث و رملست و کمترین بسامد در بحرهای هزج و سریع دیده میشود. این وزن‌ها از چهل و چهار قصیده بلند، هشت قصیده کوتاه و پنج قطعه ازرقی استخراج شده است و طبق جدول زیر نشان داده میشود:

جدول بسامد اوزان شعری :

درصد	تعداد	نام وزن
۴۲/۱۰	۲۴	۱- مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن (مجتث مثنی مخبون محذوف)
۳۳/۳۳	۱۹	۲- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مسدس محذوف)
۱۲/۲۸	۷	۳- مفعول فاعلات مفاعیلن فاعلن (مضارع مثنی اخرب مکفوف محذوف)
۵/۲۶	۳	۴- مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن (هزج مثنی مقصور) و مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مسدس محذوف)
۳/۵۰	۲	۵- مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (منسرح مثنی مطوی منحور و مفتعلن مفتعلن فاعلن (سریع مطوی مکشوف)
۳/۵۰	۲	۶- فعولن فعولن فعولن فعولن (مقارب مثنی سالم)
	۵۷	بدون رباعیها مجموع قصاید و قطعات

۲-۳) قافیه و ردیف

قافیه تمام قصاید ازرقی اسمی است؛ بجز یک قصیده کوتاه شش بیتی که با قافیه فعلی آمده است. دو قصیده نیز در دیوان او یکی با ردیف «است» آمده که فعل ربطی است و دیگری با همکرد «کرد» سروده شده است. شاعر گاهی بجای قافیه اسمی از کلمات مرکب یا صفت فاعلی و گاهی فعل امر استفاده کرده است، مانند: شه طغان، چفته هلال، غالیه دان، لاله ستان، صاعقه کردار، فخار و دار. این لغات و ترکیبات در موسیقی کناری ابیات، تأثیر کارسازی دارند؛ بگونه‌ای که نبودن ردیف را در قصاید تا حدی جبران میکنند.

۳-۳) موسیقی درونی شعر (آرایه‌های بدیع لفظی)

گاهی آرایه‌های بدیع لفظی از آن جهت که در موسیقی کلام اهمیت بسیار دارند، در عناصر موسیقائی سبک مورد توجه قرار میگیرند. این عناصر بیشتر شامل: موازنه، جناس، همحروفی و همصدایی هستند. در بررسی چهارده درصد ابیات دیوان ازرقی، بیشترین آرایه‌های لفظی، موازنه و جناس است و بطور کلی بسامد صنایع بدیع لفظی در شعر ازرقی زیاد نیستند. طبقه‌بندی این صنایع در شواهد زیر نشان داده شده است:

۱-۳-۳) نغمه حروف

- تکرار صامت ش:

شرارش شهپر طوطی زند بر پهلوی پروین سرشکش دیده شاهین نهاد در چشم دو پیکر (ازرقی: ۹)

۲-۳-۳) تکرار صامت «ر» و همصدایی

تو از پولاد مینارنگ دریایی به کف داری که صد دریای خون دارد روان در آب و در گوهر (ازرقی: ۱۰)

۳-۳-۳) همصدایی با تکرار مصوت بلند «آ»

ز باد تیر پرانت بسوزد جان آهرمن ز تف تیغ برانت بجوشد مغز اژدرها (ازرقی: ۲)

۴-۳-۳) موازنه

زبان داند که نندیشد روان جز مهر تو بخرد روان داند که نسراید زبان جز مدح تو زیبا (ازرقی: ۳)

چو در میدان بگردانی سنان در لشکر انبه چو در کوشش بجنابانی عنان در گوشه‌ای^۱ تنها (ازرقی: ۲)

فلک کردار برخیزد کران پر اختر روشن صدف کردار بر جوشد میان پر لؤلؤ لالا (ازرقی: ۱)

سپاهش را^۹ بر انگیزد به دریا برزند غارت مصافش را بیوندد به گردون بر کند غوغا(ص: ۲)

۳-۳-۵) سجع

- سجع مطرف

شگفت نیست گر از برف لاله ساخت زمین که هست لاله چو شنگرف و برف چون سیماب(ازرقی: ۳)

۳-۳-۶) سجع متوازی

چو باغ از نرگس مسکین^{۱۰} افروزد شمع زنگاری^{۱۱} هوا پروانه سیمین فرو ریزد بر و بی مر(ازرقی: ۹)

۳-۳-۷) سجع متوازن

ز باد تیر پرانت بسوزد جان آهرمن ز تف تیغ پرانت بجوشد مغز اژدرها (ازرقی: ۲)

۳-۳-۸) ردالعجز الی الصدر و رد الصدر الی العجز

ز خنجر کنی چشمه زندگانی اگر نام خود برنگاری به خنجر(ازرقی: ۱۲)

در افسر در مکنون کی شناسد که افسر چیست یا دارای افسر(ازرقی: ۱۹)

برین گردون دریا چهره از میغ بیوندد سماریهای عنبر(ازرقی: ۲۰)

سماریهای عنبر چون گران شد فرو بارد ز عنبر عقد گوهر(ازرقی: ۲۱)

۳-۳-۹) لف و نشر

اگر قیصر به روم اندر ز خشم بنگرد هیبت و گر خاقان به چین اندر ز نامت بشنود آوا(ازرقی: ۲)

یکی خشم تو برگیرد به جای خنجر و نیزه یکی نام تو بگزیند بجای خاتم و طغرا (ازرقی: ۲)

ایا عمیدی کاعدای تو چشید و شنید ز تیغ مرگ سیاست زلف بخت عتاب(ازرقی: ۳)

تیغ تو برفکند و سنان تو بر درید بر چرخ سیر^{۱۲} انجم و برکوه خاره غار^{۱۳} (ازرقی: ۲۹)

۳-۳-۱۰) تقسیم

ز دریا گر سخن رانی بدان لفظ روان آیین ز گردون گبر آشوبی بدان تیغ هلاک آسا(ازرقی: ۲)

از آن در قعر این ریزد چو لؤلؤ اختر روشن و زین برصحن آن جوشد چو اختر لؤلؤ بیضا(ازرقی: ۲)

اگر کسری و دارا را درین ایام ره بودی شدی گنجور تو کسری بدی دربان تو دارا(ازرقی: ۲)

۱۱-۳-۳ جناس

- جناس لفظ

به شاخ سوسن نازک قریب شد قمری زبرگ گلبن چابک غریب گشت غراب (ازرقی: ۳)

۱۲-۳-۳ طرد و عکس

گهی از دامن دریا شود برگوشه گردون گهی از گوشه گردون رود زی دامن دریا (ازرقی: ۱)
 ز موج آسمان گوهر^{۱۴} به چرخ چنبری پیکر ز چرخ چنبری گوهر ز^{۱۵} موج آسمان پهنا (ازرقی: ۱)

جدول بسامد عناصر موسیقی درونی در زیر نشان داده میشود:

ردیف	نام وزن	تعداد	درصد
۱	نغمه حروف	۱۴	۲۳/۷۴
۲	موازنه	۱۲	۲۰/۳۳
۳	سجع	۱۰	۱۶/۹۷
۴	رد العجز الی الصدرو رد الصدر الی العجز	۷	۱۱/۸۶
۵	لف و نشر	۵	۸/۹۲
۶	تقسیم	۵	۸/۹۲
۷	جناس	۴	۶/۷۷
۸	طرد و عکس	۲	۳/۳۸
	جمع موارد موسیقی درونی	۵۹	

۴) عناصر بیانی

کوششهایی که شاعر بنا به مقتضای حال و هدف بکار میگیرد، عناصر بیانی نامیده میشود. عبارت دیگر نحوه انتقال بیان هنری سخن بوسیله آن ارائه میشود. روشنیست که این اصطلاح در حوزه سبک شناسی با اصطلاح مشابه در بلاغت متفاوت است. در شعر ازرقی عناصر بیانی مانند: ایهام و ایجاز و کنایه و ارسال المثل بندرت یافت میشود و عناصری همچون اغراق، تضاد و تا حدودی تلمیح را بیشتر در کار کرده است.

۱-۴) اغراق

سپاهش را بر انگیزد به دریا بر زند غارت مصافش^{۱۶} را بپیوندد به گردون بر کند غوغا(ازرقی:۱)
از آن غارت بپیراید هوا را افسر لؤلؤ وزین غوغا بپوشاند زمین را صدره دیبا^{۱۷}(ازرقی:۱)

۲- تضاد :

الا یا پایه تخت فرود پیکر ماهی الا یا گوشه تاجت فراز گردش جوزا(ازرقی:۲)
اگر دیوانه‌ای شیدا، بود با گرز تو عاقل و گر آهسته ای بخرد، شود^{۱۸} با تیغ توکانا(ازرقی:۲)
همیشه تا به گرانی هوا نه جنس زمینست همیشه تا به خفیفی زمین نه جنس هواست^{۱۹}(ازرقی:۷)

۳-۴) تلمیح

اگر زمرد صحرا نه نور داد بدو ز دیده اشک چرا بر زمین فشاند مذاب(ازرقی:۳)
سکندرست صبا کز میان تاریکی به حد روشنی آورد گوهر نایاب(ازرقی:۳)

۴-۴) اسلوب معادله

به شمشیر او باز بستست گیتی عرض باز بستست لایب به جوهر(ازرقی:۲)
بیشترین کاربرد عناصر بیانی در دیوان ازرقی بترتیب شامل اغراق، تضاد، تلمیح و اسلوب معادله است که در جدول زیر نشان داده میشود :

تعداد	درصد	تعداد	درصد
اغراق : ۲۹	۴۴/۶۱	تلمیح: ۱۹	۲۹/۲۳
تضاد: ۱۶	۲۴/۶۱	اسلوب معادله: ۱	۱/۵۳
جمع: ۶۵			

۵. قالبهای شعری

ازرقی بنابر شیوه دوره خویش ، بیشترین اشعار خود را در قالب قصیده سروده است و البته قطعه‌های محدودی نیز در مدیحه و مسائل اجتماعی دارد ؛ همچنین رباعیات او بعد از قصاید، بیشترین مقدار از اشعار او را در بردارد و دارای محتوایی غنایی و مدحی است .
ازرقی در مجموع سروده‌های خود، سه قصیده طولانی، چهل و یک قصیده متوسط، پنج قطعه و شصت رباعی دارد .

جدول تکرار قالبهای شعری

تعداد	درصد
قصیده: ۴۴	۴۰/۳۶
قطعه: ۵	۴/۵۸
رباعی: ۶۰	۵۵/۰۴
جمع: ۱۰۹	

۶. عناصر خیالی و صور خیال در شعر ازرقی

تنوع عناصر خیالی در شعر ازرقی، یکی از ویژگیهای سبکی او محسوب میشود. با بررسی جمعیت آماری مورد نظر در دیوان شاعر معلوم شد که تشبیه و سپس استعاره نسبت به دیگر عناصر خیالی از فراوانی بیشتری برخوردار هستند. تشبیه وهمی و خیالی که از ابتکارات شاعری ازرقیست، از ویژگیهای سبک شخصی اوست. در زیر نمونه‌هایی از انواع تشبیه و دیگر عناصر خیالی این شاعر آورده میشود:

۱-۶) انواع تشبیه

تشبیه حسی به عقلی

به قوت گل و سبزی زمین باغ کنون چو بخت خواجه عمید آمده است روشن و شادب (ازرقی: ۳)
 به سر در^{۲۰} خنجر بران چو جهل اندر سر نادان به دل در ناوک پران چو دانش در دل دانا (ازرقی: ۲)
 الا تا هر درختی نیست طوبی الا تا هر غدیری نیست کوثر (ازرقی: ۲۱)
 چو کوثر طعم عیشت باد شیرین چو طوبی شاخ بخت باد پر بر (ازرقی: ۲۱)
 به کشی چو اندیشه مرد عاشق به خوبی چو رخساره یار دلبر (ازرقی: ۱۱)

۱-۱-۶) تشبیه حسی به حسی

هوا از چهر او گردد بسان دیده شاهین زمین از رنگ او گردد بسان سینه عنقا^{۲۱} (ازرقی: ۱)
 به آب اندرون همچو لؤلؤی بیضا به آتش درون همچو یاقوت احمر^{۲۲} (ازرقی: ۱۳)

۲-۱-۶) تشبیه عقلی به حسی

یکی برکۀ ژرف در صحن بستان چو جان خردمند و طبع سخنور
به پاکی چو جان و به^{۲۳} خوبی چو دانش ز صفوت هوا و ز لطافت چو آذر (ازرقی: ۱۱)

۳-۱-۶) تشبیه عقلی به عقلی

به پاکی چو جان و به خوبی چو دانش ز صفوت هوا و ز لطافت چو آذر (ازرقی: ۱۱)

۲-۶) گونه‌های استعاره

استعاره در شعر ازرقی بیشتر در شکل استعاره مصرحه دیده میشود. گاه در برخی از ابیات شاعر، تراکم استعاره‌ها جلب نظر میکند. مواردی از استعاره‌ها در مثالهای زیر عرضه شده است:

۱-۲-۶) استعاره مصرحه

برین گردون دریا چهره از میغ بیوندد سماریهای عنبر (ازرقی: ۲)
سماریهای عنبر چون گران شد فرو بارد ز عنبر عقد گوهر^{۲۴} (ازرقی: ۲۱)

۲-۲-۶) استعاره مکنیه:

چو دست مردم غواص دست باد صبا به باغ گوهر روشن دهد ز تیره سحاب (ازرقی: ۹)
دهان ابر لؤلؤ بیز عنبر سای هر ساعت ز مینا بر کشد لؤلؤ به نیل اندر دمد عنبر (ازرقی: ۲)
به زخم تیر بستانند نور از دیده روشن به نوک نیزه بگشایند آب از چشم نابینا (ازرقی: ۲)
اگر کسی به سر خود شکر فرو ریزد شگفت نیست که در هر سری دگر سوداست (ازرقی: ۷)

جدول بسامد عناصر خیالی

تعداد	درصد	تعداد	درصد
تشبیه: ۲۶	۵۰	کنایه: ۲	۳/۸۴
استعاره: ۲۴	۴۶		
جمع: ۵۲			

۷) عناصر فکری

مطالعه‌ی تمامی دیوان ازرقی برای نشان دادن عناصر فکری در شعر او گویای حضور عناصر مذهبی و دینی و اشارات قرآنی به میزان بالایی است و در طبقه‌بندی زیر مختصراً به آنها اشارت می‌رود:

۷-۱) اشاره‌های دینی

اشاره‌های دینی و قرآنی در سروده‌های مدحی شاعر، بیشتر در جهت تأیید ممدوح است و هدف از طرح آنها استفاده‌ی اخلاقی یا اجتماعی نیست و بدین سبب تصرف شاعرانه در آنها کمترست و شاعر مضمون آیات و مطالب دینی را در خدمت ممدوح بکار گرفته است. اشاره‌های دینی در دیوان ازرقی شامل اشاره‌های قرآنی و مذهبی است:

۷-۱-۱) اشاره‌های قرآنی

اگر شد آتش سوزنده بر خلیل بهشت منم به معجزه‌ی او کنون خلیل دگر (ازرقی: ۲۲)
نه بس بود که مرا عشق توگرامی کرد به معجزات گرامی خلیل پیغمبر^{۲۶} (ازرقی: ۲۲)

۷-۱-۲) اشاره‌های مذهبی

اشاره‌های مذهبی ازرقی غالباً ناظر به اشخاص است و شاعر ممدوح خود را در صفات نیک به آنان تشبیه می‌کند. ازرقی در توصیفات خود بخلفای راشدین توجه داشته است؛ ولی او علی (ع) را بیشتر وصف کرده است:

ای حیا را همچو عثمان وی شجاعت را علی ای دیانت را چو بوبرای صلابت را عمر (ازرقی: ۱۴)
درین قناعت و توفیق دین و مذهب راست به روزگار تو ای فخر کاینات^{۲۷} کراست (ازرقی: ۶)
روان بد اندیششت از آب تیغست به آتش درون همچو فرزند ملجم (ازرقی: ۵۴)
به در بند سجستان آنچه او کرد مثالی کرده بد حیدر به خیبر (ازرقی: ۱۹)

۷-۲) اشاره‌های اساطیری

از آنجا که شاعر گرایش به آوردن تشبیهات خیالی و ترکیباتی وهمی داشته است، بعد از آوردن اصطلاحات نجومی که پس از این درباره آن سخن خواهیم گفت، بیشترین اشاره را بعناصر اساطیری دارد. و تعبیراتی چون: فرایزدی، پری و سیمرغ و مانند آنها در اشعار او بسیار دیده میشود. نکته گفتمنی آن که تصرفات شاعرانه ازرقی در اشارات اساطیری نسبت به اشارات قرآنی و دینی بیشتر است:

ز باد تیر پرانت بسوزد جان آهرمن ز تف تیغ برانت بجوشد مغز اژدرها (ازرقی: ۲)
به عون زال و رخش و تیر سیمرغ ز یک تن کرد رستم پاک کشور (ازرقی: ۲۰)
تورا سیمرغ و تیر گز نباید نه رخش جادو و زال فسونگر^{۲۸} (ازرقی: ۲۰)

۷-۳) اصطلاحات نجومی

بسامد بالای اصطلاحات نجومی در شعر ازرقی گویای آشنایی شاعر با علم نجومست. او در تعبیر و مفاهیم نجومی هم تصرف کرده است:

الا یا پایه تختت فرود پیکر ماهی الا یا گوشه تاجت فراز گردش جوزا (ازرقی: ۲)
شرارش شهر طوطی زند بر پهلوی پروین سرشکش دیده پروین نهد در چشم دو پیکر^{۲۹} (ازرقی: ۹)

۷-۴) اشاره‌های تاریخی و داستانی

اشاره‌های تاریخی در شعر ازرقی غالباً مربوط به قبل یا اوایل ظهور اسلام است و از شخصیت‌های تاریخی در نشان دادن برتری ممدوحان خود استفاده کرده است:

ز اقبال وی اسکندر بدیدی چشمه حیوان اگر جز وی ز رای او بدی در رای اسکندر (ازرقی: ۹)
نبود آگاه اسکندر چو شد در حد تاریکی که بر گوهر همی راند نه بر خاک ادهم و اشقر^{۳۰} (ازرقی: ۱۰)

۷-۵) اصطلاحات علمی و فلسفی

اصطلاحات علمی و فلسفی نیز در قصاید مدحی ازرقی، وسیله‌ای در خدمت ممدوحان است و غرض او استفاده از یک موضوع علمی خاص در خلال مضمون آفرینیهای شاعرانه نیست. بسامد اصطلاحات علمی در مقایسه با دیگر عناصر فکری، در ردیف پنجم است:

به شمشیر او باز بستست گیتی عرض باز بستست لابد به جوهر (ازرقی: ۱۲)

ایا شهریاری که از ناوک تو ز اعراض زایل شمارند جوهر(ازرقی:۱۲)
 هزار عنصری آمد کهین^{۳۱} عیالی از او ز روی علم عروض و قوافی و القاب(ازرقی:۳)
 در^{۳۲} شعر چون به نام تو بندند قافیت فارغ شود سخن ز مجازات و استعار(ازرقی:۲۷)

۶-۷) اصطلاحات موسیقایی و شطرنج:

اصطلاحات موسیقایی دیوان شاعر بیشتر ناظر به الحان موسیقی و ابزارهای آنست و چون این اصطلاحات متناسب با اشعار مدحی این دوره است، از نظر بسامد در ردیف سوم جای دارد:
 ز لاله رخ صنمی سرو قد بخواه و بنوش به رنگ لاله میی بر سماع سر و ستاه(ازرقی:۸۸)
 مباد گوش تو بی بانگ رود سال به سال مباد دست تو بی جام باده ماه به ماه(ازرقی:۸۵)
 این بریطیست صنعت او سحر آشکار و اندر عجب ز صنعت او چشم روزگار^{۳۳}(ازرقی:۳۴)
 در مجموع باید گفت که عناصر فکری در شعر ازرقی از عمق چندانی برخوردار نیست و استعداد شعری او بیشتر در کار مضامین مدحی و توصیفی بوده است.
 در جدول زیر بسامد عناصر فکری به ترتیب آمده است:

جدول بسامد عناصر فکری در دیوان ازرقی هروی

ردیف	نام عنصر فکری	تعداد	درصد
۱	اصطلاحات نجومی	۲۲	۱۸/۸۰
۲	اشاره‌های اساطیری	۱۹	۱۶/۲۳
۳	اصطلاحات موسیقایی و شطرنج	۱۶	۱۳/۶۷
۴	اشارات دینی	۱۳	۱۱/۱۱
۵	اصطلاحات علمی	۹	۷/۶۹
۶	اشاره‌های قرآنی	۸	۶/۸۳
۷	اشاره‌های تاریخی	۹	۷/۶۹
۸	اشاره‌های مذهبی	۴	۳/۴۱
	جمع موارد عنصر فکری	۱۱۷	

با تشکر از همکاران گرامی دکتر مختار ابراهیمی، دکتر منوچهر تشکری و دکتر محمدرضا صالحی مازندرانی که هر کدام نسبت به تخصص خود بخش‌هایی از مقاله را پیش از چاپ از نظر گذرانده‌اند.

نتیجه:

ازرقی به لحاظ زبانی، شاعری ترکیب‌ساز است و ترکیب‌های او بیشتر از مقوله ترکیب‌های اضافی و وصفی است. در انتخاب اوزان به ارزش‌های موسیقایی و عاطفی وزن، توجه بیشتری داشته و از کار برد اوزان نامطبوع خودداری کرده است. از جهت تصویر پردازی و صور خیال به تشبیه و استعاره و بویژه تشبیهات وهمی و خیالی که در روزگار وی چندان رایج نبوده، توجه خاص داشته است. او همچنین از عنصر اغراق بفرآوانی بهره گرفته است. شعر ازرقی می‌تواند شاخصی برای بررسی گرایش خاص در سبک سراینده‌گان قرن پنجم محسوب شود.

پی‌نوشتها:

۱- رشید وطواط در حدائق السحر در فصل تشبیه می‌گوید: «تشبیه پسندیده است که اگر برعکس شود باز هم درست باشد مانند زلف به شب و برعکس. البته نیکو و پسندیده نیست که بعضی شعرا چیزی به چیزی تشبیه کنند که در وهم و خیال باشد مانند: زغال افروخته به دریای مشکین. اهل روزگار از کمی معرفت از تشبیهات ازرقی به شگفت آمده‌اند و در شعر او همه تشبیهات از این نوعست و بکار نیاید» محمد جعفر محجوب در این زمینه می‌گوید: باید گفت که ازرقی تشبیهات محسوس به محسوس را بیش از همه انواع تشبیه ترجیح داده است و در انتقاد از نظر رشید وطواط چنین می‌گوید: «از این مطالب برمی‌آید که همانگونه که در عالم شاعری تنک مایه و سطحی بوده در دنیای لفظ هم آنچه را دیده و میشنیده بیش از آنچه به وهم او درمی‌آمده ارزش داشته است، در صورتی که شاعری توانا چون انوری شعر ازرقی را بوجه استدلال تضمین میکند:

نه بر طریق تهجی، به وجه استدلال
و لیک زین به نگین دان کشند از آن به جوال

درین مقابله یک بیت ازرقی بشنو
ز مرد و گیاه سبز هر دو هم‌نگند
(بنگرید: محجوب: خراسانی در شعر فارسی، ص ۵۷۵)

- ۲- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی*^۱: پولاد و عرعر.
- ۴- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: ساو از مرجان.
- ۵- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: «نه» به جای چو.
- ۳- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: زمی‌پردر.
- ۶- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: شکل هر.
- ۱۰- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: مسکین.
- ۱۱- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: زنگاری.
- ۷- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: گویا.
- ۸- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: برگوشه.
- ۹- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: ۱ ر ۱۰۰۰ ار همچنین رک: دیوان ازرقی، ص ۱، ۱/۱۵، ۱/۱۷، ۱/۱۱، ۲/۵، ۲/۹، ۱/۲۲، ۲/۱۵، ۴/۸، ۹.
- ۱۴- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: پیکر... پیکر.
- ۱۵- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: «به» به جای «از».
- ۱۲- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: سیر.
- ۱۳- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: غار.
- ۱۶- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: ار.
- ۱۷- نیز بنگرید: ص ۱، ۱۷ و ۱/۱، ۹/۱۷ و ۱۷ و ۹/۱۸، ۲/۲۳، ۵ و ۹/۶ و ۲/۲۶، ۱۸.
- ۱۸- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: بود.
- ۱۹- بنگرید به دیوان ازرقی: ص ۶، ۷/۲۱، ۱۱.
- ۲۰- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: «در».
- ۲۱- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: «بیغا».
- ۲۲- نیز رک (ص ۱۰، ۱۴) دیوان ازرقی.
- ۲۳- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: «ز».
- ۲۴- بنگرید به دیوان ازرقی: ۲۱، ۳/۲، ۳/۱۱، ۳/۱۴، ۹/۱۰، ۸.
- ۲۵- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: خوبی.

* دیوان ازرقی هروی، تصحیح انتقادی، محمدتقی خلوصی (پایان نامه دکتری)، به راهنمایی دکتر نصراله امامی (استاد دانشگاه شهید چمران، ۱۳۸۶).

- ۲۶- همچنین بنگرید به دیوان ازرقی، ص ۳۲، ۱۹ و ۱۸/۲۰، ۱۰/۴، ۱۹/۲۱، ۲۱/۲۱، ۷/۸، ۳/۲۴، ۲۲، ۸۴/۲۴، ۸۶/۲۱، ۱۹.
- ۲۷- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: روزگار.
- ۲۸- نیز بنگرید: ص ۱۱، ۱۲/۱۵، ۳۰/۶، ۶۶/۹، ۶۶/۷ و ۱۳ و ۲۲/۲۲، ۶.
- ۲۹- همچنین بنگرید به دیوان ازرقی، ص ۱۱، ۱۱/۷، ۴۹/۸، ۵۲/۲۳، ۵۲/۵، ۷.
- ۳۰- نیز ر.ک. دیوان ازرقی ص ۱۱، ۱۲/۲۵، ۱۴/۲۶، ۸۲/۱۹، ۸۲/۷، ۱۹.
- ۳۱- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: کمین.
- ۳۲- چنین است در دیوان ازرقی چاپ نفیسی. در نسخه تصحیح م. خلوصی: بر.
- ۳۳- نیز ر.ک. دیوان ازرقی، ص ۳۴، ۲۳/۳۵، ۱/۴۶، ۷/۳۳، ۶/۹۹، ۳/۴۰.

فهرست منابع:

- ۱- ابراهیمی، مختار (۱۳۷۷)، شعر رندانه (بررسی سبک شخصی حافظ)، اصفهان، انتشارات مولانا.
- ۲- ازرقی هروی (۱۳۳۶)، دیوان، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، انتشارات کتاب فروشی زوار.
- ۳- ازرقی هروی (۱۳۳۵)، دیوان: به تصحیح علی عبدالرسولی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- امین پور، قیصر (۱۳۸۴)، «ازرقی نوآورستایشگر»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۴۹-۴۷ سال ۱۲ و ۱۳، جلد ۱: ۴۴.
- ۵- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶): صورخیال در شعر فارسی، تهران، انتشارات آگاه.
- ۶- _____ (۱۳۷۰)، موسیقی شعر، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- ۷- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، کلیات سبک شناسی، تهران، انتشارات فردوس.
- ۸- _____ (۱۳۷۴)، سبک شناسی شعر، تهران، فردوس.
- ۹- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۰- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۶۹)، سخن و سخنوران، تهران، خوارزمی.
- ۱۱- محجوب، محمدجعفر (بی تا)، سبک خراسانی در شعر فارسی، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوس و جامی.
- ۱۲- نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۳۳)، چهار مقاله: به تصحیح علامه قزوینی و محمد معین، تهران، انتشارات کتاب فروشی زوار.
- ۱۳- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۴۰)، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر.
- ۱۴- همایی، جلال (۱۳۶۸)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، مؤسسه نشر هما، تهران.